

بازگشت به وطن یا ماندن جوانان افغانستانی در ایران^۱

رسول صادقی*، محمد جلال عباسی شوازی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

چکیده

مهاجرت بازگشتی موضوعی مهم اما کمتر مطالعه شده در مطالعات مهاجرتی است. مقاله پیش رو به دنبال بررسی بازگشت به افغانستان یا ماندن در ایران و عوامل تعیین کننده آن در میان جوانان افغانستانی است. داده‌های تحقیق با اجرای پیمایش نمونه‌ای و به شیوه مصاحبه رو در رو با ۶۲۰ جوان افغانستانی ۲۹-۱۵ ساله ساکن در شهرهای تهران و مشهد گردآوری شد. نتایج بیانگر تمایل و قصد پایین جوانان افغانستانی (بویژه نسل دوم مهاجران) به بازگشت به کشورشان و ماندگاری اکثر آنها در جامعه ایران به ویژه در برهه زمانی کوتاه مدت و میان مدت است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد عوامل مختلفی نظیر جنسیت، تحصیلات، وضعیت نسلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانوار، طول مدت اقامت خانواده در ایران، الگوهای سازگاری، رضایت اجتماعی، تجربه تبعیض، و بستر محله‌ای و شهری بر گزینه‌ها و استراتژی‌های مختلف مهاجرتی جوانان افغانستانی تأثیرگذارند. بطور کلی از مقاله می‌توان نتیجه گرفت که مهاجرت بازگشتی نه تنها تحت تأثیر عوامل فردی و جمعیت‌شناختی است، بلکه به شدت تحت تأثیر عوامل و بسترهای زمینه‌ای و ساختاری است.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت بازگشتی، استراتژی مهاجرتی، ماندن در ایران، ادغام اجتماعی، مهاجران افغانستانی.

۱. این مقاله بر مبنای نتایج طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به شماره ۳۱۰۵۰۰۵/۱/۰۹ با عنوان "بازگشت یا ماندن: مطالعه‌ی استراتژی‌های مهاجرتی جوانان افغانستانی در ایران" نگاشته شده است.

*. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق موسسه مطالعات جمعیتی کشور
rassadeghi@ut.ac.ir
**. استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات جمعیتی کشور
mabbasi@ut.ac.ir

مقدمه

مهاجرت بین‌المللی محصول اواخر قرن بیستم نیست و حتی حاصل مدرنیته در پوشش سرمایه‌داری و استعمارگری نیست. مهاجرت از زمان‌های خیلی دور بخشی از تاریخ انسان‌ها بوده است. با اینحال، مهاجرت بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ و به ویژه از اواسط دهه ۱۹۸۰ به لحاظ حجم و اهمیت رشد چشمگیری داشته است (کاستلز و میلر^۱، ۲۰۰۳). مهاجرت نه تنها به‌عنوان یک تغییر مکانی و جغرافیایی، بلکه به‌مثابه موتور تغییرات اجتماعی و جمعیتی مورد توجه و علاقه تحقیقاتی علوم مختلف اجتماعی قرار گرفته است. در این میان، جمعیت‌شناسی با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای^۲ به مطالعه الگوها، روندها، تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای مهاجرت بین‌المللی می‌پردازد.

یکی از بزرگترین جابجایی‌ها و حرکات مهاجرتی تاریخ مدرن جهان، مهاجرت افغانستانی‌ها در طول سه دهه اخیر است. در این فرایند حدود یک سوم جمعیت افغانستان (بیش از شش میلیون نفر)، کشور خود را ترک و تقریباً به ۷۲ کشور جهان مهاجرت کردند (ترتون و مارسدین^۳ ۲۰۰۳؛ کمیساریا^۴ ۲۰۰۷؛ سایتو^۵ ۲۰۰۸) بیش از ۹۶ درصد آنها به دو کشور همسایه، ایران و پاکستان، مهاجرت کرده‌اند. در اوایل دهه ۱۳۵۰ با توجه به رشد اقتصادی و وجود فرصت‌های شغلی در ایران روند آرام مهاجرت نیروی کار از افغانستان به ایران شکل گرفت. برآوردها رقم ۶۰۰ هزار نفر نیروی کار مهاجر افغانستانی را در این دوره نشان می‌دهد (بونین^۶ ۲۰۰۳؛ هدایت ۱۳۶۵). همزمان با تحولات سیاسی در ایران و در یکی دو سال نزدیک به وقوع انقلاب، تعداد زیادی از کارگران افغانستانی ایران را ترک و به کشور خود بازگشتند، اما چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، به‌دنبال تجاوز ارتش سرخ شوروی به خاک افغانستان، جریان مهاجرتی و پناهندگی در حجم گسترده‌ای آغاز شد. تعداد مهاجران افغانستانی در ایران در سال ۱۳۶۵ به دو میلیون نفر و در سال ۱۳۷۰ به بالاترین حد خود یعنی سه میلیون نفر افزایش یافت.

-
1. Castles, S. and M. Miller
 2. Interdisciplinary
 3. Turton, D. and P. Marsden
 4. Saito, M.

از دهه ۱۳۸۰ به بعد سیاست دولت ایران متمرکز بر بازگشت مهاجران افغانستانی بوده است (صادقی، ۱۳۸۸). بازگشت‌ها از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ به اوج خود رسید و بیش از ۷۰۰ هزار مهاجر افغانستانی در پوشش برنامه داوطلبانه بازگشت از ایران به کشورشان بازگشتند. این روند سریع بازگشت از سال ۱۳۸۵ به بعد کاهش یافت و بازگشت‌ها در مقیاسی بسیار کوچک‌تر ادامه یافت (محمودیان ۱۳۸۶؛ عباسی شوازی و صادقی ۲۰۱۵). حتی برخی از مهاجران بازگشته به افغانستان مجدداً به ایران برگشتند. در حال حاضر، برآورد می‌شود حدود ۲/۵ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران ساکن هستند. در سرشماری ۱۳۹۰، ۱/۵ میلیون نفر مهاجر افغانستانی شمارش شده‌اند. از این تعداد حدود ۵۵ درصد در ایران متولد شده‌اند. همچنین دو سوم جمعیت مهاجران افغانستان در استان تهران، و بعد از تهران حدود ۱۵ درصد در استان خراسان رضوی (مشهد) ساکن هستند (صادقی و عباسی شوازی، ۱۳۹۴). بر این اساس، در این مطالعه متمرکز بر جوانان مهاجر افغانستانی ساکن در شهرهای تهران و مشهد شده‌ایم.

بنابراین، علیرغم موفقیت نسبی در سالهای اولیه، این برنامه و سیاست تقریباً ناموفق بوده است و به نظر می‌رسد که مهاجران افغانستانی، بویژه نسل‌های دوم و سوم مهاجران، تمایل اندکی به بازگشت داشته‌اند. در این میان، نقش جوانان و فرزندان در تصمیم خانواده‌ها به بازگشت به افغانستان یا ماندن در ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، مقاله پیش رو به واکاوی مهاجرت بازگشتی، انگیزه و نیت آن در میان جوانان افغانستانی در ایران می‌پردازد. در واقع، مقاله با استفاده از داده‌های پیمایشی گردآوری شده از جوانان ۲۹-۱۵ ساله افغانستانی ساکن در شهرهای تهران و مشهد به دنبال پاسخ به این دو پرسش کلیدی است: ۱- انگیزه و نیت مهاجرتی جوانان افغانستانی درباره ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان چگونه است؟ و ۲- چه عواملی بر انگیزه و نیت مهاجرتی آنها تأثیرگذارند؟

رویکردها و نظریه‌های مهاجرت بازگشتی

رویکردها و مدل‌های نظری متعددی در خصوص مهاجرت بازگشتی و عوامل تعیین‌کننده آن مطرح شده است. بورجاس و براتسبرگ^۱ (۱۹۹۶) در تبیین نظری تصمیم به مهاجرت بازگشتی به دو رویکرد اشاره کرده‌اند؛ در رویکرد اول، مهاجرت بازگشتی به عنوان بخشی از برنامه

1. Borjas and Bratsberg

اقامتی مطلوب^۱ در طول چرخه زندگی است. بر اساس این رویکرد برخی افراد برای چند سال مهاجرت می‌کنند و بعد از انباشت سرمایه انسانی یا ثروت به کشورشان برمی‌گردند. در مقابل، رویکرد دوم به این مبحث می‌پردازد که جریان مهاجرت بازگشتی ممکن است ناشی از اشتباهات مهاجران به هنگام تصمیم اولیه به مهاجرت باشد و ممکن است مهاجران از شرایط کشور میزبان شناخت و اطلاعی نداشته باشند (بورجاس و براتسبرگ، ۱۹۹۶: ۱۶۵).

کاسارینو^۲ (۲۰۰۴) در خصوص نظریه‌های مهاجرت بازگشتی به پنج رویکرد نظری شامل رویکرد نئوکلاسیک^۳، رویکرد اقتصاد جدید^۴، رویکرد ساختاری^۵، رویکرد شبکه اجتماعی^۶ و رویکرد فراملی‌گرایی^۷ اشاره می‌کند. در طبقه‌بندی دیگری از نظریه‌های مهاجرت بازگشتی، ریس (۱۹۷۷) از چهار نظریه نام برده است؛ نظریه یأس و ناامیدی^۸، نظریه درآمد هدف^۹، نظریه شبکه اجتماعی^{۱۰} و نظریه مهاجرت چرخشی^{۱۱}. در اینجا، دو طبقه‌بندی مذکور از نظریه‌های مهاجرت بازگشتی در هم آمیخته و استدلال‌های نظری آنها بیان می‌گردد.

در "رویکرد نئوکلاسیک"، مهاجرت بازگشتی به عنوان نتیجه یک تجربه مهاجرتی شکست خورده که منافع مورد انتظار مهاجران را تأمین نکرده است قلمداد می‌شود (کاسارینو، ۲۰۰۴: ۲۵۵). همچنین، نظریه نئوکلاسیک مهاجرت بازگشتی را شکست در فرایند ادغام در مقصد می‌داند (دی هاس و همکاران، ۲۰۰۹). در این رویکرد، "نظریه یأس و ناامیدی" بیان می‌کند افراد زمانی در مهاجرت بازگشتی درگیر می‌شوند که در کشور مقصد شکست خورده باشند (یعنی نتوانسته شغلی داشته باشند و یا فقط دستمزدهایی اندکی دریافت کرده‌اند) (هرزوغ و اسکاتمن

-
1. Optimal residential location plan
 2. Cassarino, J. P
 3. Neoclassical migration approach
 4. New economic approach
 5. Structural approach
 6. Social network approach
 7. Transnationalism approach
 8. Disappointment theory
 9. Target income theory
 10. Social network theory
 11. Circular migration theory

۱۹۸۲ به نقل از ریس، ۱۹۹۷: ۱۲). از اینرو، بر اساس این نظریه افرادی که نمی‌توانند شغلی بدست آورند یا دستمزد پایین‌تر از حد مورد انتظار دارند، احتمال بازگشت‌شان بیشتر است. "رویکرد اقتصاد جدید"، مهاجرت بازگشتی نیروی کار را نتیجه منطقی یک "استراتژی حسابگرانه" قلمداد می‌کند که بعد از انباشت سرمایه برای انجام سرمایه‌گذاری موفق در مبدأ صورت می‌گیرد (کاسارینو ۲۰۰۴؛ دی هاس و همکاران ۲۰۰۹). در این رویکرد، "نظریه درآمد هدف" بیان می‌کند که مهاجران برای به دست آوردن سرمایه مالی جهت سرمایه‌گذاری در زمینه تکنولوژیهای بهتر یا خرید زمین در وطن خود موقتاً مهاجرت می‌کنند و بعد از تأمین سرمایه و درآمد مورد نظر به کشور مبدأ باز می‌گردند (ریس، ۱۹۹۷). علاوه بر اینها، مدل‌های اقتصاد جدید بر محرومیت نسبی و گسترش ریسک (استراک و تیلور^۱، ۱۹۹۱)، ترجیح مصرف در موطن (دجاجیک و میلبورن^۲، ۱۹۸۸)، قدرت خرید بیشتر در کشور مبدأ (دوستمن^۳، ۱۹۹۹)، و انتخاب‌های سرمایه‌گذاری در مبدأ (ادا و همکاران، ۲۰۰۶) به عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت بازگشتی تأکید دارند.

"رویکرد ساختاری"، مهاجرت بازگشتی را فقط یک مسئله شخصی نمی‌داند بلکه آن را در سطحی بالاتر تحت تاثیر عوامل وضعیتی و ساختاری^۴ تبیین می‌کند. رویکرد ساختاری معتقد است که بازگشت صرفاً با توجه به تجارب فردی مهاجران تحلیل نمی‌شود، بلکه آن بر اساس عوامل اجتماعی و نهادی در کشورهای مبدأ و میزبان باید تحلیل شود. "رویکرد شبکه اجتماعی"، معتقد است که مهاجرت علاوه بر ماهیت اقتصادی، فرایندی اجتماعی است که در شکل‌گیری و تداوم آن شبکه‌های اجتماعی نقش دارند و مهاجران بازگشتی را به عنوان کسانی می‌بیند که روابط قوی خود را با کشورهای مبدأ در زمان مهاجرت در کشورهای دیگر حفظ کرده‌اند (کاسارینو، ۲۰۰۴: ۲۶۵-۲۵۷). همچنین، نظریه شبکه اجتماعی معتقد است شبکه‌های اجتماعی، ساختارهای اجتماعی ایجاد می‌کنند که منجر به مهاجرت دایم و پیوسته می‌شوند. بعد از اینکه شبکه‌های اجتماعی ایجاد شد و اجتماعات خواهرخواندگی در کشورهای میزبان

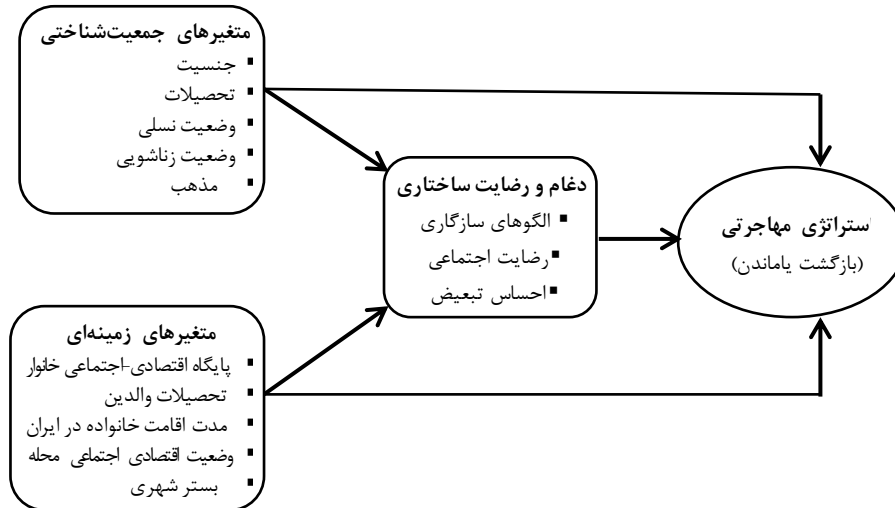
-
1. Stark & Taylor
 2. Djajic and Milbourne
 3. Dustmann
 4. Situational and structural factors

شکل گرفت، مهاجرت بین‌المللی حتی اگر شرایط اقتصادی نیز تغییر کند تداوم می‌یابد. از اینرو، مهاجرت بازگشتی یا چرخشی در مراحل اولیه فرایند مهاجرتی که هنوز این شبکه‌های اجتماعی شکل نگرفته بیشتر رخ می‌دهد (ریس، ۱۹۹۷: ۱۵). در صورت ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی مهاجران در کشورهای میزبان، مهاجرت بازگشتی کمتر می‌شود.

"رویکرد فراملی‌گرایی"، بر تماس‌ها و ارتباطات منظم و پایدار در طول زمان و در بین مرزهای ملی تأکید دارد (پورتر و همکاران ۱۹۹۹: ۲۱۹). فراملی‌گرایی تلاشی برای طراحی چارچوب نظری و مفهومی درک روابط اقتصادی و اجتماعی قوی بین کشورهای مبدأ و میزبان مهاجران است. در این رویکرد دو مفهوم به هم مرتبط وجود دارد؛ یکی هویت‌های فراملی و دیگری حرکات فراملی است. همچنین، این رویکرد به تبیین تأثیر ارتباطات فراملی بر هویت‌های مهاجران می‌پردازد. در این رویکرد مهاجرت بازگشتی بخش یا جزئی از نظام روابط و مبادلات اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای مبدأ و میزبان است (کاسارینو، ۲۰۰۴: ۲-۲۶۱).

"نظریه مهاجرت چرخشی" به این نکته اشاره دارد که تنوع زیادی از حرکات مهاجرتی، معمولاً کوتاه مدت و ماهیتاً تکراری یا چرخشی، وجود دارد که فاقد هرگونه قصد اظهارشده تغییر دایم یا طولانی مدت محل اقامت است (زلنيسکی ۱۹۷۱). مهاجرت چرخشی بین مبدأ و مقصد معمولاً در شرایطی که خانواده در مبدأ باشند و افراد برای کسب درآمد مهاجرت کرده و بعد از مدتی دوباره به مبدأ خود بر می‌گردند، بیشتر است (ریس، ۱۹۹۷: ۱۳۳). "نظریه ادغام مهاجران" به تأثیر فرایندهای ادغام بر جریان و احتمال مهاجرت بازگشتی می‌پردازند. اغلب نظریه‌های ادغام یا همانندی مهاجران بیان می‌کنند که با اقامت طولانی مدت مهاجران، آنها بیشتر در جوامع میزبان ادغام می‌شوند و در نتیجه کمتر به کشور مبدأشان بازخواهند گشت (دی هاس و فوکما، ۲۰۱۱: ۷۵۶). بر این اساس، سطوح بالای ادغام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران در کشور میزبان تأثیر منفی بر احتمال بازگشت آنها به کشور مبدأشان خواهد داشت.

از اینرو، رویکردهای نظری مذکور هرکدام از زاویه خاصی به تبیین مهاجرت بازگشتی پرداخته و عوامل و بسترهای خاصی را مهم دانسته‌اند. در این میان، مدل نظری-تحلیلی این مقاله بر مبنای استدلال‌های سه رویکرد نظری نئوکلاسیک، ساختاری و ادغام اجتماعی طراحی شده و به تحلیل مهاجرت بازگشتی می‌پردازد.



شکل ۱. مدل نظری مطالعه در تبیین استراتژی مهاجرتی جوانان افغانستانی در ایران

بر اساس مدل مذکور، سه فرضیه کلی طراحی گردید؛ (۱) انتظار می‌رود که قصد و نیت مهاجرتی (بازگشت به افغانستان یا ماندن در ایران) تحت تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد متفاوت باشد؛ زنان، افراد متاهل، جوانان نسل دوم، و افراد شیعه مذهب قصد بازگشت کمتری دارند. همچنین، با افزایش سطح تحصیلات، قصد و تمایل بازگشت افزایش می‌یابد. (۲) انتظار می‌رود که قصد و نیت مهاجرتی (بازگشت به افغانستان یا ماندن در ایران) تحت تأثیر زمینه‌های خانوادگی، محلّه‌ای و شهری باشد؛ جوانان خانواده‌های طبقه بالای اجتماعی، با والدین تحصیل‌کرده و ساکن در محلّه‌های با وضعیت اقتصادی و اجتماعی بالا کمتر قصد دارند به افغانستان برگردند و در مقابل بیشتر در ایران می‌مانند. همچنین انتظار می‌رود قصد بازگشت در مهاجران ساکن در شهر تهران بیشتر از شهر مشهد باشد. (۳) قصد و نیت مهاجرتی (بازگشت به افغانستان یا ماندن در ایران) به شدت تحت تأثیر الگوهای ادغام و رضایت ساختاری مهاجران در جامعه ایران است؛ افراد گروه‌بندی شده در الگوهای ادغام و همانندی کمتر قصد بازگشت دارند. همچنین، با افزایش میزان رضایت اجتماعی از زندگی در جامعه ایران و کاهش احساس تبعیض، قصد بازگشت کاهش می‌یابد.

پیشینه تحقیق

مهاجرت بازگشتی موضوعی مهم در فرایند مهاجرتی است، هرچند کمتر بدان پرداخته شده است (ریس ۱۹۹۷؛ دی‌هاس و همکاران ۲۰۰۹). در واقع، علیرغم اهمیت موضوع مهاجرت بازگشتی مهاجران بین‌المللی، به‌لحاظ مفهومی و تجربی کمتر بدان پرداخته شده است.

والدروف^۱ (۱۹۹۵) در بررسی تعیین‌کننده‌های نیت مهاجرت بازگشتی کارگران مهمان در آلمان نتیجه گرفت که احتمال بازگشت بطور قوی‌ای تحت‌تأثیر رضایت شغلی - اقامتی و متغیرهای زمان محور (روند موقتی، اثر طول مدت و سالهای پیش از بازنشستگی) است، در حالیکه تأثیر مشخصه‌های فردی اهمیت کمتری دارند. دوستن (۲۰۰۱) در بررسی تصمیمات مهاجران به بازگشت به کشور مبدأ بر عوامل اقتصادی تأکید داشت، همچنین وی در مطالعه دیگری (دوستمن، ۲۰۰۳) بر نقش و تأثیرگذاری فرزندان بر برنامه‌های بازگشت والدین به کشور مبدأ اشاره کرده است. وان هوم^۲ (۲۰۰۳) در بررسی مهاجرت بازگشتی پناهندگان افغانستانی در هلند با استفاده از یک مدل روانشناسی اجتماعی نشان داد که نیت بازگشتی فقط تحت‌تأثیر مقایسه‌های اقتصادی سطح خرد و کلان نیست، بلکه انگیزه‌ها، وابستگی و تعلق عاطفی و ادراک متفاوت از تهدید، نقش مهمی در تمایل پناهندگان افغانستانی به بازگشت به افغانستان ایفاء می‌کند.

گورنی و اوسپویک^۳ (۲۰۰۶) به مطالعه مهاجرت بازگشتی نسل دوم لهستانی‌ها در انگلیس پرداختند و نتیجه گرفتند که فشار غربت‌نشینی، رویای بازگشت، کمک و سرمایه‌گذاری در لهستان بر بازگشت (افراد بازگشته به لهستان) و تمایل بازگشتی (نسل دوم لهستانی‌ها در انگلیس) تأثیرگذار بوده است. مطالعه دی‌هاس^۴ و همکارانش (۲۰۰۹) در مورد مهاجران مراکشی در اروپا نشان داد که ادغام ساختاری^۵ از طریق مشارکت در بازار کار، آموزش و حفظ گره‌ها و وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی با کشورهای میزبان بطور معناداری نیت بازگشتی

-
1. Waldorf, B.
 2. Van Ham, C.
 3. Górný, A. and D. Osipovič
 4. De Haas, H.
 5. Structural integration

را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. در مقابل، سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های اجتماعی به مراکش بطور مثبت و ادغام اجتماعی - فرهنگی در کشورهای میزبان بطور منفی نیت مهاجرت بازگشتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فصیح فیحری و فوکما^۱ (۲۰۰۹) در بررسی تأثیر ادغام ساختاری بر نیت مهاجرتی مراکشی‌ها در اروپا نتیجه گرفتند که وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی شدید با کشور میزبان، نیت بازگشت را کاهش می‌دهد و در مقابل حفظ وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی قوی با مراکش فشار بازگشتی را تقویت می‌کند. بعلاوه، مهاجرانی که کمتر از نظر اجتماعی و فرهنگی ادغام شده‌اند و سطح رضایت شغلی و اقامتی پایینی دارند، نیت بازگشتی بالاتری دارند.

لیو^۲ و همکارانش (۲۰۰۹) در بررسی بازگشت یا ماندن دانشجویان چینی در کانادا به این نتیجه رسیدند که ویژگیهای جمعیت‌شناختی، تجربه زندگی در کانادا، انتظارات والدین و سایر عوامل انگیزشی مرتبط تأثیرگذارند. همچنین این مطالعه نشان داد که ادغام اجتماعی و عاطفی و همچنین ادغام اقتصادی نقش مهمی در تسهیل نیت دانشجویان به ماندن در کانادا دارد. کانگیلو^۳ و همکارانش (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود بر نقش مهارتهای فردی و شبکه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری مهاجران بدون مدرک در ایتالیا به بازگشت به کشورشان تأکید کرده‌اند. فوکما^۴ (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر ادغام اجتماعی و فرهنگی بر قصد بازگشت نسل دوم مهاجران ترک در چند کشور اروپایی پرداخت. نتایج بیانگر اهمیت عوامل ادغام اجتماعی - فرهنگی و فراملی‌گرایی است. مهاجران نسل دوم ترک که وابستگی فراملی قوی‌ای با کشور مبدأشان دارند و آنهایی که به خوبی ادغام اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند تمایل بیشتری به بازگشت داشته‌اند. در مقابل، سطح ادغام اقتصادی تأثیر معناداری نداشت. دی هاس و فوکما (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های چهار گروه از مهاجران افریقایی (مصری، مراکشی، غنایی و سنگالی) در ایتالیا و اسپانیا نشان دادند که ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران در کشور میزبان تأثیر منفی بر نیت مهاجرت بازگشتی دارد، در حالی که ادغام اقتصادی و ارتباطات فراملی تأثیرات مبهم و گاه مثبت دارند.

1. Fassi Fihri M. and T. Fokkema

2. Lu, Y.

3. Coniglio N. D

4. Fokkema C. M

در ایران، پژوهش‌هایی در خصوص بازگشت یا ماندن مهاجران افغانستانی و عوامل مؤثر بر آن (جمشیدیها و علی‌بابایی ۱۳۸۱، جمشیدیها و عنبری ۱۳۸۳؛ عباسی‌شوازی و همکاران ۲۰۰۵^{a,b,c}؛ گلازبروگ و عباسی‌شوازی ۲۰۰۷)، ادغام و انطباق مهاجران با جامعه ایران (محمودیان ۱۳۸۶؛ عباسی‌شوازی و صادقی ۲۰۱۵)، تغییرات هویتی، ادغام و بازگشت نسل دوم مهاجران (عباسی‌شوازی و همکاران ۲۰۰۸) انجام شده است.

جمشیدیها و علی‌بابایی (۱۳۸۱) در بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانستانی ساکن گلشهر مشهد نشان دادند که وجود جنگ و ناامنی در افغانستان از یکسو و امنیت مالی - شغلی مهاجران در جامعه ایران از سوی دیگر مهمترین موانع بازگشت مهاجران به کشورشان می‌باشند. مطالعه دیگری در همین منطقه توسط جمشیدیها و عنبری (۱۳۸۳) نشان می‌دهد صرف نظر از جنگ و ناآرامی‌های داخلی افغانستان، بازگشت یا عدم بازگشت مهاجرین افغانستانی تابعی از وابستگی و تعلق به ارزش‌ها و هنجارهای جوامع مبدأ و مقصد مهاجرتی است. گذر سالهای زیاد و گسترش وابستگی‌ها و تعلقات مادی و غیرمادی (شغلی، تحصیلی، مذهبی، خانوادگی و قومی) به جامعه میزبان سبب فراموشی و گسستن از تعلقات و ارزشهای جامعه مبدأ (افغانستان) شده است. عباسی‌شوازی و همکارانش (۲۰۰۵) در مطالعه بازگشت به افغانستان در سه شهر تهران، مشهد و زاهدان به بررسی استراتژی‌های معیشتی، شبکه‌های اجتماعی، و بازگشت پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از دو سوم خانوارهای افغانستانی در این سه شهر قصد بازگشت به افغانستان ندارند. شبکه‌های اجتماعی، مسکن، دسترسی به تسهیلات آموزشی و بهداشتی و همین‌طور فرصتهای شغلی در ایران و نبود این شرایط در افغانستان، محرکی برای ماندن خانوارهای افغانستانی در ایران است. گلازبروگ و عباسی‌شوازی (۲۰۰۷)، در مطالعه خود در میان شیعه‌های هزاره شهر مشهد بر نقش مناسک و اعتقادات مذهبی و زیارت امام رضا (ع) بر عدم تمایل به بازگشت به افغانستان تاکید کرده‌اند.

محمودیان (۱۳۸۶) به بررسی تغییرات ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران افغان در بستر انطباق با جامعه ایران پرداخته است. یافته‌های این تحقیق، بیانگر بهبود وضعیت مهاجران، به‌ویژه در زمینه‌های آموزش، مهارت و بهداشت و همچنین تفاوت نسلی قابل توجهی (وضعیت بهتر نسل دوم) در این مشخصه‌ها است. عباسی‌شوازی و همکارانش (۲۰۰۸) در مطالعه کیفی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران نتیجه گرفتند که نسل دوم مهاجران

تجارب و شرایط متفاوتی نسبت به نسل اول دارند؛ تغییرات هویتی محسوسی در نسل دوم مهاجران رخ داده و در جامعه ایران ادغام اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده و این شرایط، خود مانع بازگشت نسل دوم مهاجران به افغانستان شده است. عباسی شوازی و صادقی (۲۰۱۵) به بررسی الگوهای سازگاری و عوامل تعیین کننده آن پرداختند. نتایج آنها بیانگر الگوهای متنوع سازگاری و هویت‌های چندگانه در میان نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران است.

بطور خلاصه، مطالعات مختلف در خصوص عوامل تأثیرگذار بر احتمال بازگشت مهاجران به یکسری از عوامل تعیین کننده نظیر نداشتن تابعیت و شهروندی مهاجران (جاسو و روزنویگ^۱ ۱۹۸۸)، مشخصه‌های فردی و جمعیت‌شناختی مهاجران (والدروف ۱۹۹۵)، جنسیت (لیو و همکاران ۲۰۰۹)، طلاق و جدایی (بیجوارد و دوسلار ۲۰۱۲)، رضایت شغلی و اقامتی (والدروف ۱۹۹۵)، متغیرهای زمان محور (نظیر طول مدت اقامت و ...) (والدروف ۱۹۹۵)، میزان ادغام و سازگاری اجتماعی و فرهنگی (لیو و همکاران ۲۰۰۹؛ فوکما ۲۰۱۱؛ عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۸)، ادغام اقتصادی (لیو و همکاران ۲۰۰۹)، سازگاری و ادغام ساختاری (فصیح فیحری و فوکما ۲۰۰۹؛ محمودیان ۱۳۸۸)، فراملی‌گرایی (فوکما ۲۰۱۱)، غربت‌نشینی و رویای بازگشت (گورنی و اوسپویک ۲۰۰۶)، سیاست‌ها و رژیم‌های سیاستی (لیو و همکاران ۲۰۰۹؛ فوکما ۲۰۱۱) بر مهاجرت بازگشتی و احتمال بازگشت مهاجران اشاره کرده‌اند.

علیرغم مطالعات و پژوهش‌های متعدد، هنوز زوایایی از مهاجرت بازگشتی به‌ویژه در بستر مهاجرت‌های اجباری کمتر ناشناخته است. همچنین، تبیین بسترها و عوامل تعیین کننده ماندن یا بازگشت مهاجران افغانستانی در ایران با استفاده از رویکردهای ساختاری و ادغام کمتر مورد توجه بوده است و مقاله پیش‌رو سعی بر آن دارد که به این مهم بپردازد.

روش تحقیق و داده‌ها

داده‌های مطالعه در چارچوب روش "پیمایش نمونه‌ای" گردآوری شده است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار «پرسشنامه ساخت‌یافته» استفاده و پرسشنامه در میان جوانان افغانستانی ساکن در کلان‌شهرهای تهران و مشهد در سال ۱۳۸۹ تکمیل گردید.

جمعیت مورد بررسی شامل جوانان ۲۹-۱۵ سال افغانستانی ساکن در خانوارهای معمولی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران و مناطق ۱۲ گانه شهر مشهد است که برابر با ۸۱۵۴۴ نفر بوده است. حجم نمونه ۶۲۰ نفر تعیین گردید و برای نمونه‌گیری از تکنیک‌های احتمالی چندگانه استفاده شد. با استفاده از این شیوه جهت دسترسی به نمونه مورد نظر، دو مرحله طی شد؛ در مرحله اول، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای بر مبنای سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی و همچنین تمرکز جمعیت مهاجران افغانستانی، مناطق ۲، ۵، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ در شهر تهران و مناطق ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۸ در شهر مشهد انتخاب شدند. مناطق انتخاب شده در تهران و مشهد، به ترتیب حدود ۷۰ و ۹۰ درصد جمعیت افغانستانی‌ها در این شهرها را پوشش می‌دهند. بعد از انتخاب مناطق مذکور، به انتخاب محلات در درون هر منطقه پرداختیم. در این ارتباط، از هر منطقه تعداد ۵ حوزه آماری که بیشترین تمرکز مهاجران افغانستانی در آنها بوده است، انتخاب شدند و سپس با استفاده از نقشه‌های گیتاشناسی محدوده محله‌ای حوزه‌ها مشخص گردید. در هر کدام از مناطق مذکور یک الی دو محله انتخاب شدند. محلات انتخاب شده در شهر تهران شامل فرحزاد، کن، شوش، میدان خراسان، جوادیه، زمزم، نعمت‌آباد، عبدل‌آباد و شهرری (نظیر کوی ۱۳ آبان، دولت‌آباد، امین‌آباد و...) بوده است. در شهر مشهد محله‌های خیام، احمدآباد، گاز و طالقانی (ابوذر)، طلاب، التیمور و پنجتن، گلشهر، قلعه ساختمان و عدل خمینی انتخاب شد.

در مرحله دوم، در هر محله برای دسترسی به نمونه از شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی^۱ استفاده شد. دلیل بکارگیری این شیوه این است که در بررسی‌های نمونه‌ای مهاجران خارجی معمولاً دستیابی به یک نمونه تصادفی از مهاجران و بکارگیری تکنیکهای معمول نمونه‌گیری تصادفی ممکن نیست. زیرا، در محله‌های مذکور خانوارهای ایرانی نیز سکونت دارند و توزیع آنها به صورتی نیست که چند خانه یکی را انتخاب کرد. از طرف دیگر، دستیابی به نام و آدرس مهاجران برای انتخاب تصادفی آنها نیز غیرممکن است. با توجه به این مسائل، روشی که بطور گسترده در تحقیقات مهاجران برای دستیابی به نمونه بکار گرفته می‌شود، نمونه‌گیری گلوله برفی است. از این شیوه نمونه‌گیری بصورت هدفمند با حداکثر تنوع استفاده شد. چارچوب انتخاب نمونه بر اساس مشخصه‌های جمعیتی جوانان افغانستانی (نظیر جنس، تحصیلات، وضعیت زناشویی و زمینه قومی)

1. Snowball sampling

بر مبنای نتایج سرشماری ۱۳۸۵ و آمایش اتباع خارجی ۱۳۸۴ تدوین گردید تا نمونه‌ای نمایا و معرّف از جمعیت آماری انتخاب شود. از اینرو، چارچوب انتخاب نمونه‌ها مبتنی بر ترکیب اجتماعی - جمعیتی مهاجران و جغرافیای سکونتی آنها بوده است.

بدین ترتیب، ۶۲۰ جوان افغانستانی ۱۵-۲۹ ساله در مناطق مختلف شهرهای تهران و مشهد انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. مشخصه‌های جمعیتی نمونه در جدول ۱ ارائه شده است. تعداد زن و مرد برابر، متوسط سنی افراد نمونه ۲۱ سال، ۸۴ درصد نسل دوم، ۶۴ درصد مجرد، ۲۳ درصد دیپلم و بالاتر، و ۵۶ درصد هزاره بوده‌اند.

جدول ۱. توزیع مشخصه‌های جمعیتی نمونه مورد بررسی، ۱۳۸۹

مشخصه‌های جمعیتی	تعداد	درصد
سن	۱۹-۱۵ ساله	۴۱٫۹
	۲۴-۲۵ ساله	۳۱٫۸
	۲۹-۲۵ ساله	۲۶٫۳
	(میانگین سنی)	۲۱/۲۴ سال
جنس	مرد	۵۰٫۰
	زن	۵۰٫۰
نسل	اول	۱۶٫۱
	دوم (متولد ایران یا ورود قبل از ۷ سالگی)	۸۳٫۹
سطح تحصیلات	بیسواد/ ابتدایی	۲۹٫۷
	راهنمایی/ متوسطه	۴۷٫۶
	دیپلم و بالاتر	۲۲٫۷
وضعیت زناشویی	مجرد	۶۴٫۰
	متاهل	۳۶٫۰
وضعیت شغلی	شاغل	۴۷٫۴
	غیرشاغل	۵۲٫۶
وضعیت اقامتی	دارای مدرک	۸۳٫۱
	بدون مدرک	۱۶٫۹
قومیت	هزاره	۵۵٫۶
	تاجیک	۲۵٫۵
	پشتون	۴٫۰
	سید	۱۰٫۵
مذهب	سایر اقوام	۲٫۳
	دورگه ایرانی افغانی	۲٫۱
	تشیع	۷۶٫۸
شهر	تسنن	۲۳٫۲
	تهران	۴۹٫۵
	مشهد	۵۰٫۵
حجم نمونه	۶۲۰	۱۰۰/۰

قصد و نیت مهاجرتی، به عنوان متغیر وابسته تحقیق در پرسشی چهار گزینه‌ای؛ ماندن در ایران (کد ۰)، بازگشت به افغانستان (کد ۱)، ماندن در سردوراهی و مردد بودن به بازگشت یا ماندن (کد ۲)، و مهاجرت به کشور ثالث (کد ۳) سنجش شده است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل سه دسته؛ متغیرهای جمعیتی، زمینه‌ای، ادغام و رضایت ساختاری است. در متغیرهای جمعیتی، جنسیت (با کد ۰ مرد و ۱ زن)، تحصیلات (کد ۰ بیسواد/ ابتدایی، کد ۱ راهنمایی و متوسطه، و کد ۲ دیپلم و دانشگاهی)، وضعیت نسلی (کد ۰ نسل اول - کسانی که متولد افغانستان بوده و بعد از ۷ سالگی به ایران مهاجرت کرده‌اند و کد ۱ نسل دوم - کسانی که متولد ایران بوده و یا در افغانستان متولد شده اما قبل از ۷ سالگی به ایران آمده‌اند)، وضعیت زناشویی (کد ۰ مجرد و کد ۱ متأهل) و مذهب (کد ۰ تسنن و کد ۱ تشیع) بررسی شده است.

در متغیرهای زمینه‌ای، ویژگی‌های خانواده در سه مؤلفه تحصیلات والدین (کد ۰ بیسواد/ ابتدایی، کد ۱ راهنمایی و متوسطه و کد ۲ دیپلم و دانشگاهی)، مدت زمان اقامت خانواده در ایران (کمتر از ۱۰ سال با کد ۰، ۱۰-۲۰ سال با کد ۱، ۲۰-۳۰ سال با کد ۲، و بیشتر از ۳۰ سال با کد ۳) و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانوار در سه طبقه پایین (کد ۰)، متوسط (کد ۱) و بالا (کد ۲) سنجش شده است. شاخص پایگاه اقتصادی خانوار به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) با استفاده از شاخص‌های ثروت (مالکیت یک لیست از کالاهای مصرفی بادوام نظیر مسکن، ماشین، موتورسیکلت، کامپیوتر، تلویزیون رنگی، فریزر، جاروبرقی، ماشین لباسشویی و مبلمان)، متوسط هزینه سرانه خانوار، و وضعیت مالی و اقتصادی خانوار خوداظهاری ساخته شده است. متغیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی محلّه براساس شرایط و مولفه‌های توسعه‌ای در سه سطح پایین، متوسط، و بالا توسط محقق ارزیابی شده است. در نهایت، متغیر شهر شامل دو مقوله تهران (کد ۰) و مشهد (کد ۱) می‌باشد.

متغیر الگوهای سازگاری بر مبنای ۳۲ گویه، که میزان تعلق و وابستگی در ابعاد مختلف به دو جامعه ایران و افغانستان را نشان می‌دهد و در چهار الگوی همانندی، جدایی، ادغام و حاشیه‌نشینی اندازه‌گیری شده است. میزان آلفای کرونباخ این چهار زیرمقیاس، به ترتیب، ۰,۸۴، ۰,۸۲، ۰,۷۳ و ۰,۶۷ بوده که قابل قبول است. متغیر رضایت ساختاری، با استفاده از

شش گویه مرتبط با میزان رضایت از وضعیت مالی و اقتصادی، زندگی در محله، نحوه برخورد مردم، شرایط آموزشی (مدرسه و دانشگاه)، و شرایط کاری و شغلی سنجش شده است. مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰,۸۷ بدست آمد. همچنین، متغیر تجربه تبعیض بر اساس احساس تبعیض فردی و نهادی سنجش شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها و نتایج مقاله در سه بخش ارائه می‌شود؛ ابتدا انگیزه‌ها و تمایلات مهاجرتی جوانان افغانستان بررسی و ارائه می‌گردد، سپس قصد و نیت مهاجرتی آنها کندوکاو می‌شود. در نهایت، به بررسی عوامل تعیین‌کننده و مکانیزم‌های اثرگذاری آنها بر قصد و نیت مهاجرتی می‌پردازیم.

تمایل به بازگشت به وطن یا ماندن در ایران

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۲ درصد جوانان افغانستانی تمایل اندکی به ماندن در ایران دارند، ۳۹ درصد تاحدودی و ۲۹ درصد تمایل زیادی به ماندن در ایران دارند. در مقیاسه، حدود ۴۰ درصد تمایل اندکی به بازگشت به افغانستان داشته، ۲۸ درصد تاحدودی و ۳۲ درصد تمایل زیادی به بازگشت به افغانستان داشته‌اند.

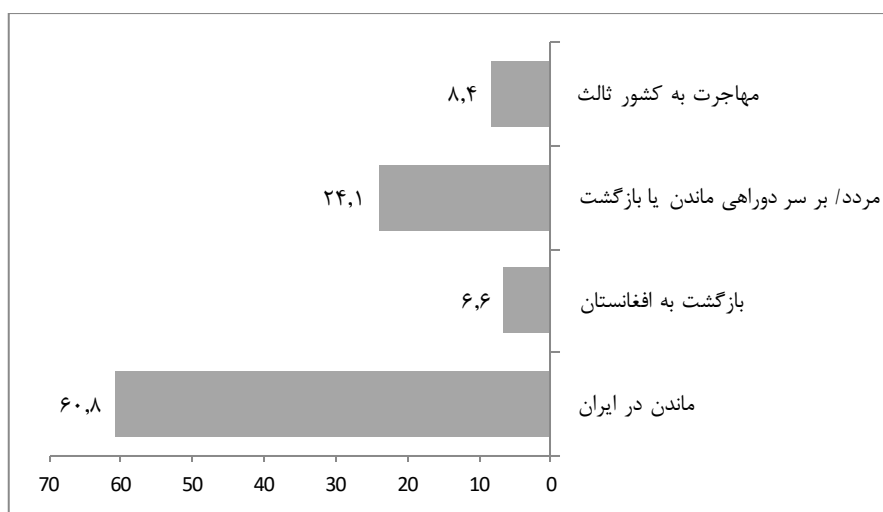
جدول ۲. میزان تمایل جوانان افغانستانی به بازگشت به وطن و ماندن در ایران

بازگشت به افغانستان		ماندن در ایران		میزان تمایل به:
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۹,۷	۲۴۶	۳۲,۳	۲۰۰	کم
۲۸,۴	۱۷۶	۳۸,۷	۲۴۰	تاحدودی
۳۱,۹	۱۹۸	۲۹,۰	۱۸۰	زیاد
۱۰۰,۰	۶۲۰	۱۰۰,۰	۶۲۰	تعداد نمونه

از اینرو، تمایل به بازگشت در میان جوانان افغانستانی پایین است. بخشی از این عدم تمایل به شرایط نامناسب توسعه‌ای-رفاهی و ناامنی افغانستان برای زندگی بر می‌گردد. در این راستا، حدود سه پنجم جوانان افغانستانی اعلام کردند در صورت بهبود شرایط زندگی در افغانستان تمایل دارند به افغانستان برگردند.

نیات مهاجرتی

بررسی قصد و نیت فعلی جوانان افغانستان درباره ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان نشان می‌دهد که از افراد مورد بررسی، کمتر از ۷ درصد در حال حاضر می‌خواهند به افغانستان برگردند و برنامه برای بازگشت دارند. در مقابل حدود ۶۱ درصد آنها قصد دارند فعلاً در ایران بمانند، ۲۴ درصد مردد هستند و هنوز تصمیم مشخصی در زمینه ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان نگرفته‌اند و حدود ۸ درصد نیز قصد دارند به کشور ثالث (عمدتاً کشورهای پیشرفته) مهاجرت کنند.



شکل ۲. نیات مهاجرتی جوانان افغانستانی در ایران (%). ۱۳۸۹

دلایل جوانان افغانستانی برای تصمیم به ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان در جدول ۳ ارائه شده است. بر این اساس، متولد شدن در ایران، تعلق و خو گرفتن با جامعه ایران (۱۳،۴٪)، ادامه و تکمیل تحصیل خود یا سایر اعضای خانواده (۱۲،۳٪)، مهیا نبودن شرایط زندگی و رفاهی در افغانستان (۱۰،۱٪)، راحتی، رفاه و آسایش بیشتر در ایران (۱۰،۱٪)، و شرایط مالی و شغلی مناسب در ایران (۹،۷٪) از مهمترین دلایل پاسخگویان برای ماندن در ایران بوده است.

بازگشت به وطن یا ماندن جوانان افغانستانی در ایران ۱۳۵

جدول ۳. دلایل جوانان افغانستانی برای بازگشت به وطن، ماندن در ایران و مهاجرت به کشور ثالث

درصد	مردد/ ماندن بر سر دوراهی (n=۱۵۰)	درصد	ماندن در ایران (n=۳۷۷)
۲۷/۰	شرایط و سیاستهای نامشخص ایران و افغانستان	۱۳/۴	تولد در ایران، تعلق و خو گرفتن با جامعه ایرانی
۱۶/۳	بستگی به سیاستهای دولت ایران (ماندن یا بازگشت)	۱۲/۳	ادامه تحصیلات خود یا سایر اعضای خانواده
۱۴/۴	مهیا نبودن شرایط زندگی در افغانستان	۱۰/۱	مهیا نبودن شرایط زندگی و رفاهی در افغانستان
۱۲/۰	نامشخص بودن شرایط فعلی و آینده افغانستان	۱۰/۱	راحتی، رفاه و آسایش بیشتر در ایران
۸/۷	بستگی به تصمیم پدر/ مادر یا همسر	۹/۷	شرایط اقتصادی، شغلی و درآمدی مناسب در ایران
۶/۰	نامانی و جنگ در افغانستان	۸/۹	امنیت بیشتر به ویژه برای دختران و زنان
۳/۳	بستگی به سرنگونی طالبان	۸/۰	جنگ و نا امنی در افغانستان
۴/۳	شرایط سخت اقتصادی افغانستان	۷/۴	شرایط بد اقتصادی افغانستان
۳/۳	دلمه و تکمیل تحصیلات خود یا سایر اعضای خانواده	۳/۶	زیارت و محیط مذهبی تشیع در ایران
۴/۷	بی پاسخ	۳/۲	بهبود وضعیت مالی
		۲/۴	نامشخص بودن شرایط افغانستان
		۲/۱	داشتن مادر/ همسر ایرانی
		۱/۵	عدم توانایی مالی برای رفتن به کشورهای دیگر
		۱/۳	محل دفن پدر یا سایر اعضای خانواده در ایران
		۱/۳	بیگانه و نا آشنا بودن با جامعه و فرهنگ افغانستان
		۱/۰	اصرار خانواده بر ماندن در ایران
		۰/۸	شرایط شغلی همسر
		۰/۸	وجود همه فامیل و قوم و خویشان در ایران
		۲/۱	بی پاسخ
			بازگشت به افغانستان (n=۴۱)
		۴۵/۰	بازگشت به وطن و سرزمین مادری
		۱۵/۰	وجود تبعیض و نگرش منفی نسبت به افغانها
		۱۲/۵	اجبار به بازگشت (بازگشت اجباری)
		۱۲/۵	پیوستن به همسر/ خانواده در افغانستان
		۷/۵	نداشتن چشم انداز و آینده روشن در ایران
		۷/۵	بی پاسخ
			مهاجرت به کشور ثالث (n=۵۲)
			پذیرش مهاجران و رعایت حقوق آنها
			عدم پذیرش در جامعه و بیگانگی با افغانستان
			راحتی، رفاه و آسایش بیشتر در کشورهای دیگر
			شرایط خوب شغلی و اقتصادی کشورهای دیگر
			شرایط و وضعیت نامشخص خود در ایران و افغانستان
			ادامه تحصیل در سطوح عالی دانشگاهی
			مهیا نبودن شرایط زندگی و رفاهی در افغانستان
			نداشتن چشم انداز و آینده روشن در ایران
			وجود تبعیض و نگرش منفی ایران نسبت به افغانها

در خصوص دلایل بازگشت، پاسخگویان به مواردی نظیر بازگشت به وطن و سرزمین مادری (۴۵٪)، وجود تبعیض و نگرش منفی به افغانستانی‌ها در ایران (۱۵٪)، اجبار به بازگشت و سیاستهای بازگشت اجباری (۱۲،۵٪)، پیوستن به همسر/ خانواده در افغانستان (۱۲،۵٪)، و نداشتن چشم انداز و آینده مشخص در ایران (۷،۵٪) اشاره کرده‌اند.

بر اساس نتایج، حدود ۲۴ درصد از پاسخگویان مردد بوده و بر سر دوراهی ماندن یا بازگشت بوده‌اند. این افراد در بیان دلایل خود، از شرایط و سیاستهای نامشخص ایران و افغانستان (۲۷٪)، سیاستهای دولت ایران در خصوص ماندن یا بازگشت (۱۶،۳٪)، مهیا نبودن شرایط زندگی در

افغانستان (۱۴,۴٪)، نامشخص بودن شرایط فعلی و آینده افغانستان (۱۲٪) و بستگی داشتن بازگشت به تصمیم پدر و مادر یا همسر (۸,۷٪) نام برده‌اند. یک دسته از جوانان مورد بررسی (حدود ۸ درصد) نیز گفته‌اند که قصد دارند به کشور ثالث (بویژه کشورهای پیشرفته) مهاجرت کنند، این افراد در بیان دلیل خود در خصوص مهاجرت به سایر کشورها به دلایلی نظیر پذیرش مهاجران و رعایت حقوق آنها (۳۰,۸٪)، عدم پذیرش از جانب دولت ایران و بیگانگی با جامعه افغانستان (۱۹,۲٪)، راحتی، رفاه و آسایش بیشتر (۱۵,۴٪)، شرایط خوب شغلی و اقتصادی در آن کشور (۷,۷٪)، و شرایط و وضعیت نامشخص خود در ایران و افغانستان (۷,۷٪) اشاره کرده‌اند.

نیات مهاجرتی و عوامل تعیین‌کننده آن

علاوه بر واکاوی دلایل قصد و نیت مهاجرتی جوانان افغانستانی، به بررسی تعیین‌کننده‌های اجتماعی و جمعیتی آن با استفاده از آزمون‌های دومتغیره و چندمتغیره پرداختیم. در تحلیل دومتغیره با استفاده از آزمون خی دو به بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی قصد و نیت مهاجرتی پرداختیم. بر این اساس، همانطور که در جدول ۴ مشخص است متغیرهایی نظیر جنسیت، تحصیلات، وضعیت زناشویی، مذهب، الگوهای سازگاری، رضایت اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانوار، سطح تحصیلات والدین، طول مدت اقامت خانواده در ایران، وضعیت اقتصادی و اجتماعی محلّه، و شهر محل سکونت با قصد و نیت فعلی مهاجرتی رابطه معناداری دارند. بر اساس یافته‌ها، گزینه ماندن در ایران در میان زنان بیشتر از مردان، افراد متأهل بیشتر از مجرد، اهل تشیع بیشتر از اهل تسنن است. همچنین قصد ماندن در ایران در میان افراد با رضایت اجتماعی بالا، افراد همانند شده و ادغام شده و افراد ساکن در شهر مشهد بیشتر بوده است. بازگشت به افغانستان در میان افراد دیپلمه و بالاتر، افراد با الگوی جدایی‌گزینی، افراد دارای تجربه تبعیض، افراد ساکن در مناطق متوسط شهر بیشتر بوده است. در مقابل، قصد بازگشت در میان افراد شیعه مذهب، افراد با رضایت اجتماعی متوسط و بالا، افرادی که طول مدت اقامت خانواده آنها در ایران بیش از ۳۰ سال بوده است، کمتر می‌باشد. وضعیت مردد بودن یا بر سر دوراهی ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر جنسیت، وضعیت تأهل، مذهب و الگوهای سازگاری است. بعلاوه، یافته‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت به کشور ثالث، در بین مردان، در بین افراد شیعه مذهب، افراد حاشیه‌نشین و افرادی که والدین آنها تحصیلات عالی داشته‌اند بیشتر می‌باشد.

جدول ۴. نتایج تحلیل دو متغیره رابطه متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای با نیت مهاجرتی جوانان افغانستانی

تعداد نمونه	نیت مهاجرتی				متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای	
	جمع مرد / جمع	ماندن بر سر دوراهی (n=۱۵۰)	بازگشت به کشور ثالث (n=۵۲)	ماندن در افغانستان (n=۴۱)		ماندن در ایران (n=۳۷۷)
۳۱۰	۱۰۰٫۰	۳۱٫۰	۱۲٫۹	۶٫۵	۴۹٫۶	جنسیت *** مرد
۳۱۰	۱۰۰٫۰	۱۷٫۴	۳٫۹	۶٫۴	۷۲٫۳	زن
۱۸۴	۱۰۰٫۰	۲۴٫۵	۳٫۳	۶٫۲	۶۶٫۰	سطح تحصیلات * بی سواد / ابتدایی
۲۹۵	۱۰۰٫۰	۲۳٫۷	۹٫۸	۶٫۴	۶۰٫۱	پایه / متوسطه
۱۴۱	۱۰۰٫۰	۲۴٫۸	۹٫۹	۹٫۲	۵۶٫۱	دیپلم و بالاتر
۳۹۷	۱۰۰٫۰	۲۷٫۷	۸٫۸	۷٫۱	۵۶٫۴	وضعیت زناشویی ** مجرد
۲۲۳	۱۰۰٫۰	۱۷٫۹	۷٫۶	۵٫۴	۶۹٫۱	متاهل
۱۴۴	۱۰۰٫۰	۲۹٫۹	۲٫۱	۱۱٫۱	۵۶٫۹	مذهب *** تسنن
۴۷۶	۱۰۰٫۰	۲۲٫۵	۱۰٫۳	۵٫۰	۶۲٫۲	تشیع
۱۰۰	۱۰۰٫۰	۲۳٫۰	۴٫۰	۱۰٫۰	۶۳٫۰	وضعیت نسلی NS نسل اول
۵۲۰	۱۰۰٫۰	۲۴٫۴	۹٫۲	۵٫۸	۶۰٫۶	نسل دوم
۹۲	۱۰۰٫۰	۱۲٫۰	۳٫۳	۱٫۱	۸۳٫۷	همانند شده
۲۰۹	۱۰۰٫۰	۲۴٫۰	۱۰٫۰	۵٫۷	۶۰٫۳	الگوهای سازگاری *** ادغام شده
۲۴۴	۱۰۰٫۰	۲۵٫۴	۵٫۳	۱۱٫۱	۵۸٫۲	جدایی گزین
۷۵	۱۰۰٫۰	۳۶٫۰	۲۰٫۰	۱٫۳	۴۲٫۷	حاشیه نشین
۱۲۱	۱۰۰٫۰	۱۹٫۸	۷٫۴	۲٫۳	۷۰٫۵	تجربه تبعیض * ندارد
۴۹۹	۱۰۰٫۰	۲۵٫۳	۹٫۶	۷٫۲	۵۷٫۹	دارد
۱۶۹	۱۰۰٫۰	۲۶٫۶	۱۲٫۴	۱۱٫۳	۴۹٫۷	احساس رضایت اجتماعی ** کم
۳۴۶	۱۰۰٫۰	۲۲٫۸	۶٫۷	۴٫۹	۶۵٫۶	متوسط
۱۰۵	۱۰۰٫۰	۲۳٫۸	۷٫۶	۳٫۸	۶۴٫۸	زیاد
۱۵۲	۱۰۰٫۰	۲۱٫۱	۵٫۹	۵٫۹	۶۷٫۱	پایگاه اقتصادی ** پایین
۳۹۳	۱۰۰٫۰	۲۵٫۲	۷٫۴	۶٫۱	۶۱٫۳	متوسط
۷۵	۱۰۰٫۰	۲۵٫۳	۱۸٫۷	۹٫۳	۴۶٫۷	اجتماعی خانوار ** بالا
۱۳۰	۱۰۰٫۰	۲۳٫۱	۲٫۳	۵٫۴	۶۹٫۲	بی سواد
۱۶۴	۱۰۰٫۰	۲۷٫۴	۷٫۳	۶٫۷	۵۸٫۶	ابتدایی
۱۸۳	۱۰۰٫۰	۲۵٫۸	۷٫۹	۶٫۸	۵۹٫۵	سطح تحصیلات * زاهنمایی
۹۱	۱۰۰٫۰	۲۲٫۰	۱۴٫۳	۶٫۶	۵۷٫۱	والدین متوسطه
۵۲	۱۰۰٫۰	۱۹٫۲	۱۹٫۲	۱۱٫۵	۵۰٫۱	دیپلم و بالاتر
۷۱	۱۰۰٫۰	۲۶٫۸	۲٫۸	۱۱٫۳	۵۹٫۱	مدت اقامت خانواده * کمتر از ۱۰ سال
۱۲۹	۱۰۰٫۰	۲۴٫۰	۳٫۱	۱۰٫۱	۶۲٫۸	۱۰-۲۰ سال
۲۶۷	۱۰۰٫۰	۲۲٫۱	۱۰٫۷	۵٫۰	۶۲٫۲	۲۰-۳۰ سال
۱۵۳	۱۰۰٫۰	۲۳٫۸	۱۱٫۱	۳٫۵	۶۱٫۶	۳۰ سال و بیشتر
۲۸۳	۱۰۰٫۰	۲۳٫۳	۶٫۷	۴٫۳	۶۵٫۷	وضعیت اقتصادی و اجتماعی محله * پایین
۲۵۳	۱۰۰٫۰	۲۶٫۹	۸٫۳	۸٫۷	۵۶٫۱	متوسط
۸۴	۱۰۰٫۰	۱۹٫۰	۱۴٫۳	۷٫۱	۵۹٫۶	بالا
۳۰۷	۱۰۰٫۰	۲۶٫۷	۸٫۱	۸٫۵	۵۶٫۷	شهر محل سکونت * تهران
۳۱۳	۱۰۰٫۰	۲۱٫۷	۸٫۶	۴٫۵	۶۵٫۲	مشهد

نکته: NS غیر معنادار * سطح ۵ درصد (P<0.05)؛ ** سطح ۱ درصد (P<0.01)؛ *** سطح ۰/۱ درصد (P<0.001)

در تحلیل چندمتغیره با توجه به اسمی و چندگزینه‌ای بودن متغیر وابسته، از رگرسیون لجستیک چندوجهی (MLR) استفاده شده است. در اینجا "ماندن در ایران" به عنوان مقوله مرجع تعریف شده و به برآورد احتمال بازگشت به افغانستان و سایر گزینه‌های مهاجرتی بر اساس متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای پرداخته‌ایم. نتایج رگرسیون لجستیک چندوجهی از تأثیر عوامل اجتماعی- جمعیتی بر قصد و نیت مهاجرتی جوانان افغانستانی در جدول ۵ ارائه شده است. در مدل ۱ فقط تأثیر متغیرهای جمعیتی بررسی شده است و قدرت تبیین این مدل ۱۷ درصد به دست آمد. در مدل ۲ تأثیر متغیرهای زمینه‌ای و ساختاری بررسی و قدرت تبیین این مدل ۲۶ درصد می‌باشد. در نهایت، در مدل ۳ تأثیر همه متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای بررسی شده است و در مجموع ۳۸ درصد احتمال گزینه‌های مهاجرتی را در مقایسه با ماندن در ایران تبیین می‌کنند.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد در مقایسه با ماندن در ایران، احتمال بازگشت به افغانستان در میان متاهلین کمتر از مجردین، افراد شیعه مذهب کمتر از اهل تسنن، افراد جدایی‌گزین بیشتر از افراد همانندشده است. همچنین احتمال بازگشت در افراد دارای تجربه تبعیض، افراد ساکن در محلات با موقعیت اقتصادی و اجتماعی متوسط و افراد ساکن در شهر تهران بیشتر بوده است. بعلاوه، احتمال بازگشت با طول مدت اقامت خانواده در ایران و میزان رضایت اجتماعی از زندگی در ایران رابطه‌ی منفی داشته است.

همچنین، نتایج تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد در مقایسه با ماندن در ایران، احتمال مردد بودن در بین کسانی که الگوهای ادغام و حاشیه‌نشینی را دنبال کرده‌اند بیشتر است. بعلاوه نتایج بیانگر آنست احتمال مهاجرت به سایر کشورها در میان زنان کمتر از مردان است و برای افراد با رضایت اجتماعی بالا نیز کمتر است. احتمال مهاجرت به سایر کشورها در نسل دوم مهاجران، افراد شیعه مذهب، افراد حاشیه‌نشین، افراد متعلق به طبقه اجتماعی بالا و جوانان تحصیلکرده بیشتر است

جدول ۵. نتایج رگرسیون لجستیک چندوجهی از عوامل تعیین کننده نیت مهاجرتی جوانان افغانستانی

در مقایسه با ماندن در ایران احتمال:							تعیین کننده های جمعیتی و	
مرد/د/ماندن بر سردرواهی			مهاجرت به کشور ثالث			بازگشت به افغانستان		
مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱
زمینه ای								
جنسیت								
مرد [®]								
زن								
۰.۴۴۵ ^{***}	۰.۴۲۳ ^{***}	۰.۲۰۳ ^{***}	۰.۲۴۰ ^{***}	۱.۰۰۵	۰.۷۸۵	بی سواد/ابتلایی		
سطح تحصیلات								
۰.۷۷۲	۰.۸۴۳	۰.۹۶۵	۲.۰۴۵ [~]	۱.۰۸۹	۱.۲۰۱	راهنمایی/متوسطه		
۰.۸۵۴	۱.۱۴۹	۱.۷۶۵ [^]	۲.۳۶۰ [^]	۱.۹۷۲ [~]	۲.۱۲۶ [^]	دیپلم و بالاتر		
وضعیت زناشویی								
مجرد								
۰.۵۴۱ [^]	۰.۵۹۰ [^]	۱.۰۳۷	۱.۰۶۹	۰.۵۲۱ [^]	۰.۵۱۷ [~]	متاهل		
مذهب								
تسنن								
۰.۵۳۷ [^]	۰.۵۸۱ [^]	۲.۲۸۱ [^]	۳.۱۶۴ [^]	۰.۴۱۸ [^]	۰.۴۰۱ [^]	تشیع		
وضعیت نسلی								
نسل اول								
۱.۱۲۰	۱.۱۴۳	۱.۴۲۵ [^]	۱.۱۷۵	۰.۹۹۴	۰.۸۹۳	نسل دوم		
همانند شده								
ادغام شده								
۲.۲۴۷ [~]	۲.۲۷۵ [^]	۴.۱۰۵ [^]	۳.۲۳۶ ⁺	۱.۰۳۶	۱.۸۶۹ ⁺	جدایی گزین		
۲.۶۷۳ [~]	۲.۳۷۱ [^]	۲.۹۵۴	۲.۲۳۵	۴.۸۸۷ [~]	۳.۷۳۳ [~]	حاشیه نشین		
۵.۱۱۴ [~]	۵.۲۳۱ [~]	۸.۵۳۳ [~]	۷.۹۸۹ [~]	۱.۱۷۸	۱.۴۱۷	ندارد		
تجربه تبعیض								
دارد								
۱.۵۸۵	۱.۷۱۷ [~]	۰.۸۳۶	۱.۴۲۱ [~]	۳۶۰.۷ [~]	۲.۸۹۷ [^]	کم		
احساس رضایت								
متوسط								
۰.۷۲۵	۰.۶۷۹ [~]	۰.۶۰۱	۰.۴۶۸ [^]	۰.۳۹۷	۰.۳۱۷ [^]	زیاد		
۱.۱۰۱	۰.۸۷۰	۰.۵۴۶ [~]	۰.۴۳۹ [~]	۰.۳۵۰ [~]	۰.۲۸۰ [~]	پایین		
پایگاه اقتصادی								
متوسط								
۱.۲۵۹	۱.۲۹۵	۰.۸۵۰	۰.۸۹۴	۰.۸۲۶	۰.۸۸۷	بالا		
۱.۹۴۹	۱.۹۱۰ [~]	۱.۷۶۵ [^]	۲.۱۱۲ [~]	۲.۲۰۴	۱.۹۷۶	اجتماعی خانوار		
سطح تحصیلات والدین								
بی سواد/ابتلایی								
۱.۰۱۱	۰.۹۰۷	۱.۴۴۵	۱.۵۳۳	۱.۱۰۷	۱.۱۲۱	راهنمایی/متوسطه		
۰.۹۹۸	۰.۸۷۲	۴.۲۴۴ [~]	۳.۱۷۷ [~]	۱.۹۲۱	۲.۲۱۳	دیپلم و بالاتر		
مدت اقامت خانواده ۱-۲۰ سال								
۰.۶۴۰	۰.۶۹۳	۰.۷۲۲	۰.۸۳۴	۰.۶۵۲	۰.۶۲۸	کمتر از ۱۰ سال		
۰.۶۹۸	۰.۶۰۷	۱.۷۷۲	۲.۴۶۰	۰.۳۶۱	۰.۲۳۹ [~]	۲۰-۳۰ سال		
۱.۱۶۷	۰.۸۱۹	۲.۵۹۲	۲.۷۶۵ [^]	۰.۳۵۸ [~]	۰.۱۶۸ [~]	بیشتر از ۳۰ سال		
وضعیت اقتصادی و اجتماعی محله								
پایین								
۱.۴۵۷	۱.۴۳۶ [~]	۱.۰۷۹	۱.۲۲۳	۳۶۹۳ [~]	۱.۴۸۸	متوسط		
۱.۲۰۳	۰.۸۶۱	۱.۹۸۷	۱.۱۹۰	۲.۵۴۷	۲.۱۶۵	بالا		
شهر محل سکونت								
تهران								
۰.۷۶۶	۰.۷۱۶ [~]	۰.۶۷۶	۰.۷۵۰	۰.۵۹۶ [~]	۰.۵۰۴ [^]	مشهد		
برآزش مدل								
مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱		
۳۸,۲			۲۵,۷			۱۷,۴		
Pseudo R ²								
Percent predicated correctly (%)								
۷۲,۵			۶۸,۳			۶۶,۷		

نکته: ns غیر معنادار، + معنادار سطح ۱۰ درصد (P<0.1)، × سطح ۵ درصد (P<0.05)، ** سطح ۱ درصد (P<0.01)، *** سطح ۰/۱ درصد (P<0.001)

از اینرو، در بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، جنسیت، تحصیلات، وضعیت زناشویی، مذهب و وضعیت نسلی بطور معناداری گزینه‌ها و استراتژی‌های مهاجرتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ زنان بیشتر از مردان تمایل و قصد دارند در ایران بمانند و محیط ایران را بیشتر برای زندگی ترجیح می‌دادند. در مقابل، مردان بیشتر تمایل و قصد داشتند که به کشورهای پیشرفته مهاجرت کنند. همچنین مردان بیشتر از زنان در مسیر دوراهی ماندن در ایران و بازگشت به افغانستان قرار داشتند. یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر تمایلات و نیات مهاجرتی، تحصیلات است. بر اساس نتایج، افراد با سطح تحصیلات پایین بیشتر قصد ماندن در ایران دارند، افراد با سطح تحصیلات متوسط بیشتر در وضعیت مردد (دو راهی ماندن یا بازگشت) بوده‌اند، و افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر قصد مهاجرت به کشورهای پیشرفته داشته‌اند. همچنین، قصد بازگشت در میان افراد با تحصیلات عالی بیشتر بوده است. بعلاوه، نتایج نشان داد افراد متأهل بیشتر تمایل و قصد ماندن در ایران دارند و در مقابل، افراد مجرد بیشتر تمایل به مهاجرت به کشور ثالث و همچنین بازگشت به افغانستان دارند. وضعیت مردد بودن نیز در افراد مجرد بیشتر مشاهده شده است. بر اساس نتایج، تمایل و قصد بازگشت در اهل تسنن بیشتر بوده است و در مقابل، افراد شیعه مذهب بیشتر قصد و تمایل ماندن در ایران دارند و همچنین بیشتر از اهل تسنن تمایل و قصد مهاجرتی به کشور ثالث دارند.

جدول ۶. مکانیزم اثرگذاری عوامل جمعیتی و زمینه‌ای بر گزینه‌ها و استراتژی‌های مهاجرتی

گزینه‌ها و استراتژی‌های مهاجرتی				متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای	
مهاجرت به کشور ثالث	مردد/ بر سر دوراهی	بازگشت به افغانستان	ماندن در ایران		
++	+		++	مرد	جنسیت
			+	زن	
++	+			بی سواد/ ابتدایی	سطح تحصیلات
				راهنمایی/ متوسطه	
				دیپلم و بالاتر	
++	+	+	++	مجرد	وضعیت زناشویی
				متاهل	
++		++	++	تسنن	مذهب
				تشیع	
++		++	++	نسل اول	وضعیت نسلی
				نسل دوم	
++	++	++	++	همانند شده	الگوهای سازگاری
				ادغام شده	
				جدایی گزین	
				حاشیه نشین	
++		+	++	ندارد	تجربه تبعیض
				دارد	
++		++	+	کم	احساس رضایت اجتماعی
+			++	متوسط	
				زیاد	
++	++		++	پایین	پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوار
				متوسط	
				بالا	
++				بیسواد/ ابتدایی	سطح تحصیلات والدین
				راهنمایی/ متوسطه	
				دیپلم و بالاتر	
+		++	+	کمتر از ۱۰ سال	مدت اقامت خانواده در ایران
			++	۱۰-۲۰ سال	
				۲۰-۳۰ سال	
				۳۰ سال و بیشتر	
+		+	+	پایین	وضعیت اقتصادی و اجتماعی محله
				متوسط	
				بالا	
		+	+	تهران	شهر محل سکونت
				مشهد	

نکته: ++ تأثیر زیاد + تأثیر نسبی

بعلاوه، بررسی نحوه مکانیزم تأثیرگذاری وضعیت نسلی بر تمایلات و نیات مهاجرتی بدین شکل است که جوانان نسل اول بیشتر تمایل و قصد بازگشت به افغانستان دارند. در مقابل، جوانان نسل دوم که در ایران متولد شده و یا بزرگ شده‌اند، بیشتر تمایل و قصد

ماندن در ایران دارند. البته آن دسته از جوانان نسل دوم که تحصیلات دانشگاهی دارند تمایل بیشتری برای مهاجرت به کشورهای ثالث (پیشرفته) دارند.

با توجه به میزان تعلق و وابستگی به دو جامعه ایران و افغانستان، جوانان افغانستانی الگوهای سازگاری متفاوتی را تجربه می‌کنند و الگوهای مختلف سازگاری نیز بطور متفاوتی گزینه‌ها و استراتژیهای مهاجرتی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌ها، افراد همانند شده بیشتر تمایل و قصد ماندن در ایران دارند، افراد جدایی‌گزین بیشتر تمایل و قصد بازگشت به افغانستان دارند، افراد حاشیه‌نشین بیشتر قصد مهاجرت به کشورهای پیشرفته دارند و در نهایت افراد ادغام‌شده با توجه به تعلق و وابستگی همزمان به دو جامعه ایران و افغانستان، بیشتر در وضعیت مردد یعنی سر دو راهی ماندن در ایران یا بازگشت به افغانستان قرار دارند. بر اساس نتایج، با افزایش رضایت از زندگی در ایران، تمایل و قصد ماندن در ایران بیشتر و در مقابل تمایل به بازگشت و همچنین مهاجرت به کشورهای ثالث کمتر می‌شود. همچنین، افرادی که احساس تبعیض داشته بیشتر تمایل و قصد بازگشت به افغانستان یا مهاجرت به کشور ثالث (کشورهای پیشرفته) دارند.

تأثیر ویژگی‌های خانواده بر نیت مهاجرتی بر اساس سه متغیر سطح تحصیلات والدین، طبقه اجتماعی خانواده و طول مدت اقامت خانواده در ایران مورد سنجش قرار گرفت. در این میان، تأثیر طول مدت اقامت خانواده در ایران بر گزینه‌ها و استراتژیهای مهاجرتی بیشتر بوده است. هرچه طول مدت اقامت خانواده در ایران بیشتر باشد، قصد ماندن در ایران بیشتر می‌شود، و در مقابل قصد بازگشت به افغانستان کمتر می‌شود. قصد بازگشت در میان افراد متعلق به خانواده‌هایی که اخیراً به ایران مهاجرت کرده، بیشتر است. تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانوار نیز بدین صورت بوده است که افراد متعلق به طبقه اجتماعی پایین تمایل و قصد بیشتری برای ماندن در ایران، افراد طبقه متوسط بیشتر در وضعیت مردد یا بازگشت و افراد طبقه بالا بیشتر قصد مهاجرت به کشورهای دیگر دارند. در خصوص تأثیر سطح تحصیلات والدین یافته‌ها نشان داد که این متغیر بطور معناداری فقط با قصد مهاجرت به کشورهای دیگر رابطه داشته است. بدین صورت افرادی که والدین آنها تحصیلات عالی و دانشگاهی داشته بیشتر قصد مهاجرت به کشورهای ثالث را داشته‌اند.

علاوه بر این، یافته‌ها بیانگر تأثیر بسترها و شرایط اقتصادی و اجتماعی محل زندگی بر بازگشت یا ماندن مهاجران دارد. افراد ساکن در محله‌های با سطح توسعه‌ای پایین بیشتر تمایل به ماندن در ایران داشته، افراد ساکن در محله‌های با سطح توسعه‌ای متوسط بیشتر در وضعیت مردد بوده‌اند و افراد ساکن در محله‌های مرفه بلحاظ اقتصادی و اجتماعی، بیشتر و قصد مهاجرت به کشورهای ثالث (پیشرفته) داشته‌اند. همچنین، بر اساس نتایج، افراد ساکن در شهر مشهد بیشتر تمایل و قصد ماندن در ایران داشته و در مقابل، تمایل و قصد بازگشت در میان افراد ساکن در شهر تهران بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

تجربه بیش از سه دهه زندگی مهاجران افغانستانی در ایران همراه با الگوی باروری بالای آنها موجب تغییر ساختار جمعیت مهاجران در جهت غلبه بر نسل دوم مهاجران، یعنی نسل متولد، بزرگ و جامعه‌پذیر شده در جامعه ایران، شده است. این نسل که عمدتاً در دوره جوانی زندگی شان بسر می‌برند، یکی از مهمترین دغدغه‌های زندگی روزمره‌شان، بحث بازگشت به افغانستان و یا ماندن در ایران و یا مهاجرت به کشوری ثالث است.

آینده حضور مهاجران افغانستانی در ایران تا حدود زیادی به دیدگاه‌ها و تصمیم‌های نسل دوم مهاجران بستگی دارد. زیرا، در حال حاضر نسل دوم مهاجران مؤلفه مهم و بطور سریع در حال رشد از پویایی جمعیت مهاجران در ایران می‌باشد و به مثابه موتور تغییر و تحول در میان اجتماع مهاجران عمل می‌کند. بررسی قصد و نیت جوانان افغانستانی برای بازگشت بیانگر عدم تمایل شدید آنها به بازگشت است. به بیان دیگر، نتایج تحقیق بیانگر تمایل و قصد پایین جوانان مهاجر افغانستانی به بازگشت به افغانستان و ماندگاری آنها در جامعه ایران حداقل در کوتاه‌مدت می‌باشد. بطوری که تنها ۷ درصد آنها قصد دارند به افغانستان برگردند و در مقابل حدود ۶۰ درصد می‌خواهند در ایران بمانند.

شرایط بیکاری، احساس ناامنی، فساد اداری، تعصبات و تضادهای قومی و مذهبی، عدم وجود سیاست‌ها و برنامه‌های بازادغام و فاصله فرهنگی با جامعه افغانستان موجب شده است تا جوانان مهاجر افغانستانی در ایران که قصد بازگشت نداشته باشند و یا در این زمینه با شک و تردید مواجهه شوند. در مقابل، تولد و جامعه‌پذیری و انطباق فرهنگی با جامعه ایران،

دسترسی به تحصیلات، و وجود امنیت در ایران، در ماندگاری مهاجران افغانستانی در ایران نقش بسزایی داشته است. البته، شرایط نامناسب اقتصادی در سالهای اخیر، عدم ادغام در بازار کار بویژه در مشاغل با سطح میانی و متوسط، و عدم اعطای حق تابعیت و شهروندی حتی به نسل های دوم و سوم مهاجران موجب شده است تا عده ای از مهاجران دورنمای مطلوبی برای خود و خانواده در ایران و افغانستان نداشته باشند و در نتیجه به گزینه مهاجرت به کشورهای ثالث فکر کنند. وضعیت اخیر همراه با باز شدن مرزهای ورود به برخی کشورهای اروپایی در سال ۱۳۹۴ موج مهاجرت غیرمترعارف در میان جوانان افغانستانی ساکن در ایران بویژه به سمت کشورهای اروپایی از جمله آلمان به همراه داشت.

علاوه بر شرایط ساختاری فرافردی حاکم بر کشورهای ایران و افغانستان، عوامل و متغیرهای جمعیتی و زمینه ای در انتخاب گزینه ها و استراتژی های مهاجرتی تأثیرگذار بوده است. بر اساس نتایج مطالعه عوامل مختلفی نظیر جنسیت، تحصیلات، وضعیت نسلی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانوار، طول مدت اقامت خانواده در ایران، الگوهای ادغام و سازگاری، رضایت اجتماعی، تجربه تبعیض، و بستر محله ای و شهری بر گزینه ها و استراتژی های مختلف مهاجرتی جوانان افغانستانی بطور معناداری تأثیرگذار می باشند. در این میان، جنسیت، تحصیلات، رضایت اجتماعی، ادغام و سازگاری نقش مهم و تعیین کننده ای دارند. جنسیت، یکی از بسترهای مهم شکل دهی تمایلات و نیات مهاجرتی است (لیو و همکاران ۲۰۰۹). زنان افغانستانی در ایران احساس امنیت، آزادی و آسایش بیشتری دارند و از اینرو، بیشتر از مردان قصد دارند در ایران بمانند. در ارتباط با تأثیر تحصیلات، بوجاس و براتسبرگ (۱۹۹۶) بیان می کنند برخی از مهاجران بعد از انباشت سرمایه انسانی انتظار می رود به کشورشان برگردند. اما یافته های تحقیق حاضر عکس این پیش فرض را نشان داد. افراد با سطح تحصیلات پایین بیشتر تمایل و قصد ماندن در ایران دارند، افراد با سطح تحصیلات متوسط بیشتر در وضعیت مردد (دو راهی ماندن یا بازگشت) بوده اند، و افراد با تحصیلات دانشگاهی، به دلیل فراهم نبودن شرایط ساختاری در جامعه افغانستان، بجای اینکه به کشورشان برگردند، بیشتر قصد مهاجرت به کشورهای پیشرفته داشته اند.

بر اساس نتایج، احتمال بازگشت به طور قوی تحت تأثیر رضایت شغلی- اقامتی مهاجران از جامعه مقصد است (والدروف، ۱۹۹۵). رضایت اجتماعی رابطه ی مستقیم به ماندن در ایران

و رابطه‌ی معکوس با بازگشت به افغانستان و مهاجرت به کشورهای ثالث دارد. بعلاوه، الگوهای ادغام و سازگاری مهاجران در جامعه ایران قویتر از سایر متغیرها، گزینه‌های مهاجرتی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. مطابق نظریه نئوکلاسیک، مهاجرت بازگشتی نتیجه شکست در فرایند ادغام در جامعه مقصد است (دی‌هاس و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، همانطور که در نظریه‌های ادغام مطرح شده با افزایش سطوح ادغام اقتصادی و اجتماعی مهاجران، احتمال بازگشت کاهش می‌یابد (فصیح فیحری و فوکما ۲۰۰۹؛ دی‌هاس و فوکما ۲۰۱۱؛ فوکما ۲۰۱۱). بر این اساس، می‌توان گفت مهاجرت بازگشتی نه تنها تحت تأثیر عوامل فردی و جمعیت‌شناختی است، بلکه به شدت تحت تأثیر عوامل فرافردی و شرایط زمینه‌ای و ساختاری است.

در پایان بر اساس نتایج مقاله سه پیشنهاد سیاستی مطرح می‌شود. اول؛ اجرای موفق سیاست‌ها و راه‌حل‌های مداوم و پایدار برای مهاجران افغانستانی در ایران بطور قابل توجهی به در نظر گرفتن تنوع گزینه‌ها و استراتژیهای مهاجرتی جوانان و عوامل مؤثر بر آنان بستگی دارد. دوم؛ دولت‌های ایران و افغانستان بایستی سیاستهای مهاجرتی طولانی‌مدت و پایداری داشته باشند. به ویژه، اجرای برنامه‌های بازادغام در افغانستان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. و سوم؛ فرایند بازگشت افغانستانی‌ها بایستی به عنوان یک فرایند فراملی در نظر گرفته شود. زیرا علاوه بر ماندن در ایران و بازگشت به افغانستان، بخشی از جوانان بویژه نسل دوم مهاجران برنامه برای مهاجرت به کشورهای ثالث، یعنی کشورهای پیشرفته اروپایی، استرالیا، امریکا و کانادا دارند.

منابع

- جمشیدیها، غلامرضا و موسی عنبری (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳، صص ۴۳-۶۸.
- جمشیدیها، غلامرضا و یحیی علی‌بابایی (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۷۱-۹۰.
- صادقی (۱۳۸۸). ویژگیهای مهاجران خارجی در ایران در سرشماری ۱۳۸۵، *گزیده مطالب آماری*، سال ۲۰، شماره ۱، صص ۴۱-۷۳.
- صادقی، رسول و محمدجلال عباسی شوازی، ۱۳۹۴. جمعیت‌شناسی مهاجران خارجی در ایران: تحلیل داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، ارائه شده در همایش بین‌المللی مهاجرت: *الگوها، پیامدها و سیاست‌ها*، مرکز آمار ایران و پژوهشکده آمار، ۵-۶ آبان، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۴، صص ۴۲-۶۹.
- هدایت، محمود. (۱۳۶۵). *مهاجرت خارجی و علی و آثار آن در ایران*، دفتر جمعیت و نیروی انسانی معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- Abbasi-shavazi, M. J., and R. Sadeghi., 2015. Socio-cultural Adaptation of Second-generation Afghans in Iran, *International Migration* 53(6): 89-110.
- Abbasi-Shavazi, M. J, D. Glazebrook, G. Jamshidiha, H. Mahmoudian and R. Sadeghi, 2008. *The Second Generation Afghans in Iran Integration, Identity and Return*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Abbasi-Shavazi, M. J., D. Glazebrook, H. Mahmoudian, G. Jamshidiha, and R. Sadeghi, 2005a. *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad*, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- Abbasi-Shavazi, M. J., D. Glazebrook, H. Mahmoudian, G. Jamshidiha, and R. Sadeghi, 2005b. *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran*, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.

- Abbasi-Shavazi, M. J., D. Glazebrook, H. Mahmoudian, G. Jamshidiha, and R. Sadeghi, 2005c. *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Zahedan*, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- Adda, J., C. Dustmann and J. Mestres, 2006. *A Dynamic Model of Return Migration*, IZA Working Paper.
- Bijwaard, G. E., and S. V. Doeseleer, 2012. The Impact of Divorce on Return-Migration of Family Migrants, *Norface Migration Discussion Paper*, No. 2012-34
- Borjas, G. J. and B. Bratsberg, 1996. Who Leaves? The Outmigration of the Foreign- Born, *the Review of Economics and Statistics*, 78(1), 165-176.
- Cassarino, J. P. 2004. Theorizing Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited, *International Journal on Multicultural Societies (IJMS)*, 6(2): 253 -279.
- Castles, S and M. Miller., 2003. *The Age of Migration*, 3rd edition, MacMillan, London.
- Coniglio N.D, G De Arcangelis, and L Serlenga, 2010. Return Decisions of Undocumented Migrants: Do Network Effects Help the High-skilled Overstay? *Labour* 24 (1): 93–113.
- De Haas, H. and T. Fokkema, 2011. The Effects of Integration and Transnational Ties on International Return Migration Intentions, *Demographic Research*, 25, Pp. 755-782.
- De Haas, H., T. Fokkema, and M. Fassi Fihri, 2009. Return Migration as Failure or Success? The Determinants of Return Migration Intentions among Moroccan Migrants in Europe, *Paper to be presented at XXVI IUSSP International Population Conference*, Marrakesh.
- Dustmann, C. 1999. Temporary Migration, Human Capital, and Language Fluency of Migrants, *Scandinavian Journal of Economics* 101(2): 297-314.
- Dustmann, C. 2003. Children and Return Migration, *Journal Population Economic* 16, Pp. 815–830.
- Dustmann, C., 2001. *Return Migration, Wage Differentials, and the Optimal Migration Duration*, IZA discussion paper No. 264.

- Fassi Fihri, M. and T. Fokkema, 2009. Return Migration Intentions of Moroccan Residents in Europe, *IUSSP 2009*, Morocco.
- Fokkema, C.M. 2011. Return" Migration Intentions among Second-Generation Turks in Europe: The Effect of Integration and Transnationalism in a Cross-National Perspective, *Journal of Mediterranean Studies*, 20, Pp. 365-388.
- Glazebrook, D., and Abbasi-Shavazi, M. J. 2007. Being Neighbours to Imam Reza: Pilgrimage Practice and Return Intentions of Hazara Afghans Living in Mashhad, Iran, *Journal of Iranian Studies*, 40(2): 188-201.
- Górny, A., and D.Osipovič, 2006. Return Migration of Second-generation British Poles', *CMR Working Papers* No. 6/64. Warsaw: OBM UW.
- Jasso, G. and M. P. Rosenzweig, 1988. How Well Do U.S. Immigrants Do? Vintage Effects, Emigration Selectivity, And Occupational Mobility, *Research In Human Capital and Development*, 6, Pp. 229-253.
- Lu, Y., L. Zong, and B. Schissel, 2009. To Stay or Return: Migration Intentions of Students from People's Republic of China in Saskatchewan, Canada, *International Migration and Integration*, 10, Pp. 283-310.
- Portes, A. et al. 1999. The Study of Transnationalism: Pitfalls and Promise of an Emergent Research Field, *Ethnic and Racial Studies* 22 (2): 217.37.
- Reyes, B. 1997. *Dynamics of Immigration: Return Migration to Western Mexico*, Public Policy Institute of California, San Francisco, CA.
- Saito, M. 2008. From Disappointment to Hope: Transforming Experiences of Young Afghans Returning "Home" from Pakistan and Iran, *Briefing Paper Series*, Kabul: AREU.
- Stark, O. & Taylor, J. E. 1991, Migration Incentives, and Migration Types: The Role of Relative Deprivation, *Economic Journal* 101(408): 1163-78.
- Turton, D and P. Marsden, 2002. *Taking Refugee for a Ride? The Politics of Refugee Return to Afghanistan*, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- UNHCR, 2007. *Global Trends: Refugees, Asylum-seekers, Returnees, Internally Displaced and Stateless Person*, Geneva.

Van Ham, C. 2003. Migration Decision-Making?, A Social Psychological Model of Return Migration of Refugees. The Case of Afghans in the Netherlands, *MSc Thesis in General Social Sciences*, University of Utrecht, Netherlands.

Waldorf, B., 1995. Determinants of International Return Migration Intentions, *The Professional Geographer*, 47(2): 125-136.

Zelinsky Z. 1971. The Hypothesis of the Mobility Transition, *Geographical Review* 61, Pp. 219-249.

